

بنیاد تمدن غرب در خاور میانه

استاد دانشگاه هاروارد

-۵-

در این ضمن قلمرو دین اسلام بضرع شمشیر وسعت یافت . فساتحان اسلامی درعین دلیری بختیار نیز بودند . فتوحات ایشان البته تاحدی نتیجه شور ایمان وقوت خودشان بود ، اما ضعف و نفاق حریفان نیز در توفیق ایشان بسیار دخالت داشت . امپراطوری های روم شرقی و ایران بیش از قرنی بود که روبه انحطاط گذاشته و با جنگهای بیپای پیکدیگر را ضعیف کرده بودند . علاوه بر این تشکیلات دولت قسطنطنیه بجه منهدبی وجه اداری ، با مسیحیان آسیا چنان رفتار توهین آمیز و غیر عادلانه داشت که مسیحیان آماده آن بودند که بهر دشمن قوی پنجه ای تسلیم شوند . بثلبر این هیچیک از دو امپراطوری نمی توانستند در مقابل طوفان مقاومت کنند . تاریخ نخستین فتوحات اسلامی رامی توان با فتح اروپا بدست هیتلر در دوران خود ما مقایسه کرد . دمشق در ماه مارس ۶۳۵ (رجب سال ۱۴ هجری) تسخیر شد . فتح قادسیه در ماه نوامبر همین سال شاهنشاهی ایران را منقرض کرد .

بیت المقدس و بین النهرین در سال ۶۳۷ (سال ۱۵ هجری) مسخر لشکر اسلام گردید . مضر در سالهای ۶۴۰-۶۴۱ (سال ۱۹ هجری) بدست مسلمانان افتاد و استیلای بر ایران در سال ۶۴۲ میلادی تکمیل شد . فتح اسپانیا قدری دیرتر در سالهای ۷۱۰-۷۱۲ یعنی ۹۱ تا ۹۳ هجری انجام یافت . این خلاصه اقداماتی بود که از طرف مسلمانان در قرن اول تاریخ اسلام بعمل آمد . (۱) برای آنکه ارزش حقیقی این حوادث را درست دریابیم باید در نظر داشته باشیم که در این زمان عربها هنوز از وضع صحرا نشینی بیرون نیامده بودند .

بعضی از مورخان استیلای اعراب را بر آسیا و افریقا و اروپا با هجوم

(۱) مؤلف برای مطالعه تفصیل ابن وقایع خواننده را بکتاب History of Arabs تألیف Philip Hitti مراجعه داده است . در عربی و فارسی منابع تاریخ اسلام فراوانست . ما نیز از جمله منابع مختلف فارسی « تاریخ اسلام » تألیف دک- تر علی اکبر فیاض را که در سلسله انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده و در دسترس همه قرار دارد ذکر می کنیم .

وحشیان (هونها، گتها، و اندالها و غیره) که موجب انقراض امپراطوری روم غربی (سال ۴۷۶ میلادی) گردید و تا چند قرن پس از آن اروپا را زیر و زبر کرد مقایسه کرده اند. در حقیقت اعراب بیابان گرد آن روز در محاسن و معایب به سرخ پوستان امریکایی شباهت نبودند و استیلای ایشان بر اکثر ممالک آن زمان در نظر اول همان قدر عجیب مینماید که فرض کنیم قسرمز پوستان مهاجرین امریکائی را تابع خود قرار دهند و ایشان را بخدمت خود وادارند. چنین مقایسه ای برای ادراک تفاوت عظیمی که میان غالب و مغلوب وجود داشت البته مفید است اما از یک جنبه اصلی این مثال درست در نمی آید. فاتحان عرب در آغاز کار صحرا نشینانی عاری از خط و علم بودند اما اتحادی تمام داشتند و شراره ایمان ایشانرا بجنبش در آورده بود. استیلای عربها نتیجه مبارزه میان وحشیان گرسنه با شهر نشینان منحط نبود بلکه یکطرف این مبارزه ایمانی تازه و فرهنگی نوزاد بود و طرف دیگر آن چند فرهنگ منقرض و بی نیرو و ناپایدار و در واقع غلبه ترقی بود بر تنزل.

شرح و بیان جزئیات این مجاهدتهای حیرت انگیز کار نویسندگان تاریخ سیاسی است، اما روحیات ملی دو طرف که مبنای این حوادث شمرده می شود برای نویسنده تاریخ علوم اهمیت فراوان دارد. از چند قرن قبل از آن ایمان عیسویان را منازعات فرقه های مذهبی که یکدیگر را از دین طرد می کردند از میان برده بود و بعضی از عیسویان خاور میانه استیلای مسلمانان را طریق نجات خود از فشار تعصب دینی دانستند، از جانب دیگر دین اسلام هنوز جوان بود و در آن تفرع و تفرقه راه نیافته بود و سر بازان مسلمان امیدهای بزرگ داشتند، امید ثروت و قدرت در این دنیا و دستگیری ابدی در جهان دیگر. دین اسلام ساده و آزاد منشانه و معتدل بود و معینا در مواقع مهم ممکن بود با علی درجه شور انگیز باشد چنانکه جنگجویان را آتقدیر بتعصب در آورد که جز فتح یا مرگ نخواهند. اگر چه مسلمانان از مدارا تحاشی نداشتند، باید دانست که قدرت ایشان تا اندازه بسیاری نتیجه آن بود که در خود نسبت بدیگران احساس برتری می کردند و این احساس را فیروزیهای سهل و تحقیر طبیعی بیگانگان در ایشان پدید آورده بود. (۱)

(۱) بعضی از مورخان درباره رأیت و مدارای مسلمانان مبالغه کرده اند مداحان اسلام اغلب این آیه را برای اثبات دعوی خود ذکر می کنند که « لا اکراه فی الدین » (سوره بقره - آیه ۲۵۷). امادر بعضی دیگر از آیات واحادیث مبارزه با کفار یعنی جهاد از وظایف هر مسلمان شمرده شده است. بنابراین از نظر رأیت و مدارا ممکن است مسلمانان را گاهی مهربان و گاهی بسیار شقی و قسی خوانند. همین نکته درباره مسیحیان نیز صدق می کند.

مسلمانان در آغاز فتوحات خود نمی توانستند بکلی از مدارا چشم ببوشند زیرا که به همکاری ملتهای مغلوب احتیاج داشتند. این فرزندان بیابان جز دین خود و شاعری نسبت بهمه چیز جاهل بودند و هیچ قابلیت آنرا نداشتند که سرزمینهای فتح شده را اداره کنند. اما از خوشبختی ایشان مردمی ناراضی از اقوام یونانی و سریانی و یهودی و قبطی و عراقی و اسپانیایی و غیره وجود داشتند که آماده بودند بایشان خدمت کنند. ذکر این نکته که اعراب به کمک بعضی از این خارجیان احتیاج داشتند ممکن است برای بیان حقیقت کافی نباشد. در واقع اگر این کمک وجود نداشت هیچ کاری از عهده عربها بر نمی آمد.

امپراطوری اسلام با همکاری صمیمانه یونانیان و قبطیان و ایرانیان و دیگران از مسیحی و مجوس و صابی و یهودی برپا شد. البته اعراب در امور دین و ادبیات بدیگران احتیاجی نداشتند یا خود را بی نیازی پنداشتند. اما با سرعتی شکفت انگیز این نکته را دریافتند که تفوق فرهنگی بعضی از یگانگان ارتباط بسیار با وسایل علمی و فنی ایشان دارد.

امری که باید معجزه علم عرب خوانده شود یا توجه باین نکته قابل ادراک است و مادر اینجا لفظ معجزه را برای آن بکار می بریم که نمی توانیم کیفیت انجام یافتن اموری را که اغلب باور نکردنی بود توجیه و بیان کنیم. این ترقی سریع علمی در تاریخ جهان نظیری ندارد. مگر در ژاپن که علوم و فنون جدید را در دوره می جی سرعت فرا گرفتند (۱) مقایسه این دو واقعه اریخی بسیار مفید است.

پرونده نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

(۱) دوره سلطنت امپراطور موتسو هیتو کمتر از نیم قرن (۱۸۶۸-۱۹۱۲) بطول انجامید و بنا بر این زمان آن از مدتی که اعراب برای فرا گرفتن فرهنگ یونانی صرف کردند کوتاهتر بود. اما این امر طبیعی است زیرا که در قرون وسطی همه امور بسیار کند تر پیش میرفت و اعراب از وسایل حیرت انگیزی که در زمان ماهر گونه امر تعلیماتی را تسهیل می کند، یعنی از صنعت چاپ و ماشینهای بخار و تاکراف و غیره استفاده نمی کردند. استفاده ژاپنیان در زمان قدیم از فرهنگ چینی تا حدی از جهت طول مدت بسا استفاده عربها از فرهنگ یونانی مقایسه پذیر است. اما فرهنگ ژاپنی همانجا متوقف ماند و حال آنکه فرهنگ عربی در سلسله تکامل جهان بمنزله حلقه ای بود. پس در بحث از تاریخ علوم فرهنگ ژاپنی را می توان از نظر دور داشت اما فرهنگ عربی را نمی توان ندیده گرفت